

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت فاجعه زلزله در خراسان

نفر تخمین زده می شود. بر اساس همین گزارش ها تا روز دوشنبه همچنین ۱۳۰ پس لرزه با ضریب تخریب ۲/۸ تا ۵/۵ ریشتر در این نواحی رخ داده است که موجب تلفات و خسارت های جانی و مالی بیشتری گردیده است. افزون بر تلفات سنگین جانی و مالی، ده ها هزار تن از ساکنان این نواحی بی خانمان شده اند که در اطراف مناطق زلزله زده به طور موقت در نه هزار چادر اسکان داده شده اند.

ابعاد وسیع تلفات جانی و اقتصادی این فاجعه باردیگر مسأله بی توجهی سران رژیم ولایت فقیه را به امر مسکن سازی امن در نواحی زلزله خیز کشور جلب می کند و پرده از روی ادعاهای فریب کارانه سران جمهوری اسلامی بر می دارد. در

بار دیگر فاجعه زلزله میهن ما را لرزاند و گروه کثیری از هم میهنان ما را به کام مرگ کشاند. بر اساس گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، ساعت ۱۲ و ۲۸ دقیقه روز شنبه ۲۰ اردیبهشت ماه زمین لرزه ای به قدرت ۷/۸ ریشتر استان خراسان را لرزاند و هزاران کشته و مجروح بر جای گذاشت. شدت زمین لرزه آنچنان بود که بخش هایی از شهرستان ها و روستاهای جنوب شرقی استان خراسان با خاک یکسان گردید. بر اساس اظهار نظر یکی از مسؤولان فرمانداری قائن، از ۱۵۰ روستای این شهرستان، ۸۰ روستا به کلی ویران شده است و ۷۰ روستای دیگر بیش از ۶۰ درصد آسیب دیده اند. بر اساس آخرین گزارش های خبرگزاری جمهوری اسلامی شمار کشته شدگان زمین لرزه قائن و بیرجند تا روز دوشنبه ۲۲ اردیبهشت ماه به ۲۴۰۰ تن رسیده است و تعداد مجروحان بیش از ۶۰۰۰

نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۰۶، دوره هشتم
سال سیزدهم، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۷۶

ادامه در ص ۵

دکتر پیمان: مبارزه تا تضمین کامل آزادی، و امنیت و حاکمیت مردم و استقرار عدالت اجتماعی ادامه دارد

در پی انتشار خبر رد صلاحیت ۲۳۴ تن از ۲۳۸ نامزد انتخابات ریاست جمهوری، در تهران بیانیه ای از سوی دکتر پیمان در این زمینه منتشر شد که نظر به اهمیت آن در زیر بخش هایی از آن را درج می کنیم.

«شورای نگهبان با کنار گذاشتن نامزدهای مستقل انتخابات ریاست جمهوری، یک بار دیگر بی اعتنایی کامل خود را، به روح قانون اساسی و حاکمیت مردم ایران ثابت کرد... این گونه رفتار آن هم با ملتی با بیش از سه هزار سال فرهنگ و تاریخی پر نشیب و فراز و سراسر مبارزه برای حفظ موجودیت و هویت ملی و تاریخی و حراست از آزادی و استقلال کشور در برابر مهاجمان و جهانخواران بیگانه و مستبد و گردنکشان داخلی، ملتی که تنها در یک قرن اخیر سه انقلاب و نهضت بزرگ را برای کسب آزادی و عدالت و تأمین استقلال و برقراری حاکمیت ملی علیه استعمار خارجی و استبداد داخلی به پیروزی رسانده است، از بیگانگی کامل زمامداران کشور با روح ملت، حقایق تاریخی و واقعیت های دنیای معاصر گواهی می دهد. هر چند رأی شورای نگهبان، در ادامه تضییقات روز افزون علیه نامزدهای مستقل، غیر منتظره نبود، ولی جناح حاکم با این کار یکبار دیگر فرصتی را که برای پایان دادن به دو دهه انحصار طبلی، قانون شکنی و خشونت و تجاوز و استبداد و

ادامه در ص ۶

○ در این شماره

- نهضت آزادی: در انتخابات رأی سفید بدهید در ص ۲
- بازار و تنظیم عادلانه ثروت در ص ۲
- ابعاد گسترده فساد مالی در رژیم «ولایت فقیه» در ص ۳
- حقوق بگیران و شرایط دشوار زندگی در ج.ا در ص ۴

توده‌نی «انتخاب اصلح» به توهم «انتخابات آزاد»

نامزدهای غیر خودی در مورد نامزدهای باقی مانده از جمله گفت: «گمان نمی کنم هیچکس به قدر من نامزدهای فعلی انتخابات را بشناسد. برخی از آنها را از دوران مبارزه و برخی دیگر را از آغاز پیروزی انقلاب می شناسم و بنابراین انتخاب اصلح امری طبیعی است...». خامنه ای سپس خطاب به مسؤولان صدا و سیما گفت: «کاری کنید که انتخابات در چشم مردم شیرین، مستدل و موجه شود و مردم به عنوان یک وظیفه در پای صندوق های رأی حضور پیدا کنند. اگر چه تعداد آراء فرد منتخب مهم است اما این جانب به حضور مردم در پای صندوق های رأی بیشتر اهمیت می دهم و باید اکثریت قاطعی از واجدین شرایط رأی دادن احساس مسؤولیت کنند و در پای صندوق های رأی حاضر شوند زیرا با این کار امنیت نظام جمهوری اسلامی در مقابل خصومت های مستمر دشمنان ملت ایران تضمین و تأمین خواهد شد...» (روزنامه همشهری ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۷۶).

از ماه ها قبل روشن بود که سران رژیم «ولایت فقیه» خواهان انتخاباتی هستند که به مبانی و سیاست های عمده رژیم لطمه ای نزنند. اهمیت این انتخابات از آنجا بیشتر می شد که دوران هشت ساله حکومت ائتلافی رفسنجانی - حجتیه (رسالت) به اتمام می رسید و تلاش برای تصاحب انحصاری قدرت سیاسی، خصوصاً از سوی جناح رسالت که دست بالا را در حاکمیت دارد از ماه ها قبل آغاز شده بود. از ماه ها قبل این بحث نیز در درون حاکمیت رژیم در جریان بود که آیا انحصار قدرت در دست یک جناح به نفع آینده این «نظام» است یا نه؟ تأسیس گروه کارگزاران سازندگی توسط رفسنجانی

ادامه در ص ۶

همان طوری که از قبل پیش بینی می شد شورای نگهبان، دژ استوار ارتجاع و استبداد حاکم بر میهن ما تمامی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری بجز نامزدهای رژیم را فاقد صلاحیت تشخیص داد و آب پاکی روی دست کسانی ریخت که توهم «انتخابات آزاد» در رژیم «ولایت فقیه» را با شدت و حدت تبلیغ کرده و می کنند. جنتی دبیر شورای نگهبان در گفتگو با واحد مرکزی خبر ضمن توضیح این خبر از جمله گفت بر اساس قانون اساسی نامزد انتخابات ریاست جمهوری باید: «از میان رجال مذهبی، سیاسی باشد». وی همچنین اضافه کرد که شورا برای بررسی صلاحیت نامزدهای ریاست جمهوری از همه امکان های اطلاعاتی [!!!!] که می توانستند پیشینه نامزدها را در اختیار شورا قرار دهند استفاده کرده و بر این اساس تنها چهار نفر، یعنی ناطق نوری، ریشه‌ری، خاتمی و زواره ای را صاحب صلاحیت تشخیص داده است. جنتی در مورد کاندیدا شدن زنان برای احراز پست ریاست جمهوری گفت: «در این دوره ۹ نفر از خانم ها ثبت نام کرده بودند که یکی از آنها بعداً اعلام انصراف کرده بود. اینها همان مشکل اول را داشتند، یعنی از رجال مذهبی و سیاسی نبودند و این شرط شامل آنها نمی شد به همین دلیل دیگر نیازی نبود تا شرایط بعدی آنها بررسی شود و به این دلیل رد شدند...». جنتی در پایان همین مصاحبه گفت بر اساس قانون، شورای نگهبان نیازی به باز بینی تصمیم های خود ندارد و نظر شورا قطعی است و هنگامی که اعلام شد دیگر قابل تجدید نظر نیست.

سید علی خامنه ای، نیز در جمع روسا و معاونان صدا و سیما جمهوری اسلامی ضمن تأکید بر اهمیت انتخابات برای رژیم «ولایت فقیه» و تأیید ضمنی تصمیم شورای نگهبان مبنی بر حذف تمامی

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

رویدادهای ایران



«رای اعتراض سفید»

در اطلاعیه ای که روز ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۷۶ در تهران انتشار یافت، گروهی از رهبران نهضت آزادی و میلیون، از جمله مهندس عزت الله سحابی، مهندس علی اکبر معین فر و دکتر ابراهیم بزدی، از مردم خواستند در اعتراض به نقض حقوق مردم و قانون اساسی توسط «زورمندان بر قدرت نشسته» مردم در انتخابات ریاست جمهوری رأی سفید به صندوق ها بریزند. در این اعلامیه از جمله آمده است: «زورمندان بر قدرت نشسته بار دیگر حقوق مردم را نادیده گرفته و با نقض میثاق قانون اساسی که حاکمیت را متعهد به رعایت حقوق و آزادی های اساسی مردم نموده است، سوگندی را که برای اجرای مفاد قانون اساسی... یاده کرده اند به فراموشی سپرده اند و از مشارکت نامزدهای غیر وابسته به حاکمیت در هفتمین انتخابات ریاست جمهوری ممانعت به عمل آورده اند... از آنجا که اعضاء شورای نگهبان تصمیماتی را اتخاذ کرده اند که برخلاف قانون اساسی بوده و همچنین بی طرفی خود را در امر نظارت بر انتخابات از دست داده و به طور علنی به کمک جناحی از حاکمیت شتافته اند و مردم کشورمان را که سرمایه اصلی و محور اساسی هر انتخاب سالم است از انتخابات قانونی شان محروم ساخته اند، ضرورت دارد مردم و همه گروههای ملی و مردمی از همه امکانات استفاده کرده و صدای اعتراض خود را بلند کنند. ما با توجه به مطالب بالا علی رغم نقض آشکار حقوق و آزادی های مردم مصرح در قانون اساسی و بایکوت خبری رسانه های داخلی و خارجی و در نتیجه عدم امکان ارتباط با مردم، در انتخابات ریاست جمهوری شرکت می کنیم تا با ریختن «رای اعتراض» در صندوق ها، اعتراض خود را به چگونگی برگزاری انتخابات و عملکرد شورای نگهبان و تضییع آزادی های اساسی ملت به طور قانونی اعلام داریم... در شرایطی که امکان هر نوع اعتراض قانونی و مسالمت آمیز از مردم سلب شده است، مردم می توانند با حضور در مراکز رأی گیری و دادن «رای سفید» اعتراض خود را به عملکرد یک جانبه شورای نگهبان اعلام نمایند...»

• نهضت آزادی نیز در بیانیه رسمی که روز ۲۷ اردیبهشت ماه در تهران انتشار داد، ضمن اعتراض به عمل شورای نگهبان از جمله یادآور شد: «متأسفانه هیچ مقام و مرجعی برای دادخواهی مردم وجود ندارد... حاکمیت نمی تواند توقع داشته باشد که معترض و ناراضی وجود نداشته باشد. او قادر نبوده و نخواهد بود که تمام ناراضی ها و معارضات را خفه و نابود سازد. سرکوب معارضات موجب حذف اعتراض نخواهد شد، بلکه در دراز مدت، جامعه را به سوی انفجار خواهد برد. نهضت آزادی ایران که مخالف

آشفتنگی، انفجار و برهم خوردن جامعه است، بار دیگر در این باره به حاکمیت هشدار می دهد...»

بازار و تنظیم عادلانه ثروت

سید محمد خاتمی در جمع بازاریان تهران پیرامون نقش بازاریان از جمله گفت: «با توجه به اینکه کشور نمی تواند به درآمد نفت متکی باشد باید تولید به عنوان محور اصلی قرار گیرد و نقشی که بازار در خدمت به تولید می تواند انجام دهد نقش اول است...» به گفته خاتمی: «توزیع مشکل اصلی کشور است و بازار تنظیم عادلانه ثروت را به بهترین وجه می تواند انجام دهد... نقش بازاریان در جنبش تنباکو، جنبش مشروطیت و در انقلاب اسلامی نشانه پیوند بازاریان با روحانیت است... یکی از رموز هویت تاریخ پیوند بین بازار و روحانیت است... باید جامعه ای آباد و اسلامی که عدالت در آن حکمفرما باشد بسازیم و این کاری است که هم اکنون تحت رهبری حضرت آیت الله خامنه ای شروع شده و پیشرفت کرده و باید تا رسیدن به عدالت مطلوب در جامعه ادامه یابد...»

البته کاری که زیر نظر خامنه ای و دیگر سران جمهوری اسلامی آغاز شده است نه تنها ارتباطی به عدالت در جامعه ندارد بلکه تصویر روشن بی عدالتی و ظلم است. این جامعه «عدل» جامعه ای است که در آن «بازاریان محترم» و کلان سرمایه داری تجاری ایران بیش از ۹۲ هزار میلیارد ثروت در اختیار خود گرفته و ده ها میلیون انسان در فقر و محرومیت به سر می برند. بر این اساس مردم مین ما نیاز ندارند منظر بمانند تا ببینند که چگونه بازار برنامه تنظیم عادلانه ثروت را پیاده خواهد کرد. این تنظیم از نظر بازار و کلان سرمایه داری ایران سال ها است که تحقق یافته است !!!

اندر حکایت تورم ۱۵ درصدی در ایران

چندی پیش سران رژیم و روزنامه های مجاز کشور با شادمانی اعلام کردند که بر اساس پیش بینی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول تورم ایران در سال جاری نسبت به سال گذشته کاهش خواهد یافت و به ۱۵ درصد خواهد رسید. هنوز هیاهوی تبلیغاتی این دست آورد مهم اقتصادی رژیم خاموش نشده است که گزارش بانک مرکزی در هفته اخیر میزان معتبر بودن چنین ادعاهایی را بار دیگر در معرض قضاوت همگان قرار داد. بر اساس گزارش بانک مرکزی میزان افزایش هفتگی قیمت بسیاری از مواد خوراکی در تهران نجومی بوده است. بر اساس گزارش بانک مرکزی به عنوان نمونه قیمت ماست غیر پاستوریزه ۷ درصد، پنیر ۱۷/۲ درصد، شیر خشک ۵/۲ درصد، میوه های تازه از ۴/۴ درصد تا ۱۵/۷ درصد سبب زمینی ۷/۸ درصد و پیاز ۴/۳ درصد افزایش یافته اند. بر اساس همین گزارش قیمت هر کیلو گوشت گوسفند و بز با استخوان به کیلویی ۱۳ هزار و ۱۵۶ ریال افزایش یافته است و هر کیلو گوشت مرغ با افزایش یک درصدی به کیلویی ۵ هزار و ۲۷۲ ریال رسیده است.

سوالی در اینجا فوراً ذهن خواننده را متوجه خود می کند که با افزایش هفتگی قیمت ها به میزان ۴ تا ۱۵ درصدی مواد خوراکی و یا حتی با افزایش ۱ درصدی قیمت های مواد خوراکی (به عبارت

دیگر افزایش سالانه قیمت مواد خوراکی بین ۵۲ درصد تا ۷۸۰ درصد) تکلیف تورم ۱۵ درصدی در سال چه می شود؟

ابعاد فاجعه بار فاصله طبقاتی در تهران

بر اساس آمارگیری که اخیراً از قیمت زمین و مسکن در تهران توسط دفتر برنامه ریزی و اقتصاد مسکن صورت گرفته و در آخرین شماره بولتن اقتصاد مسکن به تازگی منتشر شده است، فاصله طبقاتی در تهران از لحاظ مسکن ابعاد بی سابقه ای به خود گرفته است. بر اساس این گزارش افزایش قیمت مسکن در شهر تهران که از سال ۷۴ شدت گرفته بود در سال ۱۳۷۵ نیز ادامه یافت و متوسط قیمت آن نسبت به زمستان سال ۷۴ رشدی بیش از ۳۸ درصد و در مقایسه با بهار ۷۴ رشد سالانه ای بیش از ۹۳ درصد بوده است. بر اساس همین گزارش قیمت پرداختی برای یک متر مربع خانه های مرغوب (در منطقه ۱ تهران) ۴۲۵ هزار تومان و در مناطق محروم تهران (منطقه های ۱۳ و ۱۵) ۴۰ هزار تومان بوده است. بر اساس همین آمار بالاترین متوسط اجاره بهای یک متر مربع واحد مسکونی در تهران مربوط به منطقه ۳ تهران با ۹۳۲ تومان و پایین ترین متوسط اجاره مربوط به منطقه ۱۹ تهران با ۳۰۰ تومان بوده است.

کارگر ستیزانی که مدافع حقوق کارگران شده اند!

به مناسبت روز جهانی کارگر، مراسم فرمایشی از سوی سران رژیم در ورزشگاه ۱۲ هزار نفری آزادی برگزار شد که بر اساس عکس های منتشر شده از این مراسم در روزنامه های مجاز کشور، (ردیف های خالی این ورزشگاه) با تحریم وسیع محافل و مجامع کارگری کشور روبرو شد. در این مراسم که نامزدهای انتخاباتی رژیم سخنرانی کردند، نکته ای که بیش از همه جلب توجه می کرد، دفاع افرادی مانند ریشهری و ناطق نوری که سابقه سیاه آنان در سرکوب، شکنجه و اعدام کارگران بر همه روشن است، از حقوق کارگران بود. جنایتکاری مانند ریشهری که به هنگام ریاست بر وزارت اطلاعات و وظیفه سرکوب تشکل های کارگری، شکنجه و اعدام رزمندگان راه طبقه کارگر را به «نحو احسن» به انجام رساند در این مراسم بر ضرورت حمایت از کار و کارگر تأکید کرد و اعلام نمود «هیچ مکتبی چون اسلام به مسأله کار و کارگر توجه نکرده است...»

ناطق نوری و جنگ روانی

تفر و وسیع و فراگیر مردم از جناح رسالت حاکمیت آنجناب است که این روزها نگرانی شدید این جناح را در مورد سرنوشت ناطق نوری در انتخابات برانگیخته است. ناطق نوری در سخنانی که «همایش بزرگ زنان تهران» در مدرسه عالی شهید مطهری ایراد کرد ضمن ابراز نگرانی شدید از این جواز جمله گفت: «برخی جریانان با استفاده از شیوه های غربی و تحت تأثیر احساسات اقدام به شایعه پراکنی و جنگ روانی علیه من کرده اند... این جریان شبیه به همان جریانی است که علیه شهید بهشتی برافزاد و آن همه بلا بسر آن شهید آوردند... به طور مثال یکی از استادان زن در یکی از دانشگاه ها به دانشجویان دختر گفته است اگر ناطق نوری رأی بیاورد کشور به پنجاه سال قبل باز می گردد و او خیلی خشن و متحجر است پس ما به یک روشنفکر رأی بدهیم...»

ابعاد گسترده فساد مالی در رژیم «ولایت فقیه» جمهوری اسلامی، ستاد بزرگ دلالتی و واسطه‌گری

خود، بجای ساختمان سازی و توسعه مسکن، اقدام به دریافت قیراز شرکت ملی نفت ایران کرده و مقادیر زیادی از آن را به پاکستان صادر کرده است و جمعا بامحاسبه هرد دلار ۳۰۰ تومان، مبلغی بیش از ۱ میلیارد و ۹۴۰ میلیون ریال سودخالص داشته است.

این فقط یک نمونه کوچک و بیش بافتاده از غارتگری این نهاد گوش بفرمان ولی فقیه و غارت ثروت و دسترنج زحمتکشان مین ماست.

از سوی دیگریس ازافشاء اختلاس ۱۲۳ میلیاردی، کمیسیون تحقیق و تقصص درمجلس دوره چهارم جمهوری اسلامی تشکیل شد. این کمیسیون گزارشی از عملکرد سیستم بانکی رژیم «ولایت فقیه» ارائه کرد. گزارش مذکور علی رغم اینکه براساس «مصلحت نظام» بسیاری از گفته ها را ناگفته گذارده درجای خود افشاگرانه است.

گزارش، درارتباط بابانک صادرات ایران یادآوری می کند: «زیان شبکه ایران افزایش داشته وازمبلغ ۲/۷ میلیاردریال درسال ۱۳۶۹ به ۳ بانک صادرات مبلغ ۷۵/۳ میلیارد درسال ۱۳۷۳ خورشیدی رسیده و باعث کاهش حقوق صاحبان سهم از مبلغ منفی ۶۹/۶ میلیارد ریال درسال ۱۳۶۹ به مبلغ منفی ۲۲۱/۴ میلیاردریس ازکسرافزایش سرمایه درسال ۱۳۷۱ رسیده است... درفعالیت های بانک صادرات عدم ارائه سیستم کنترل در خصوص حجم عملیات ۵۰۳۱۱ میلیارد ریال حساب بدهکاران توسط واحد ثالث ومستقل به چشم می خورد؛ صورت ریز بدهی های موقوفه ارزی و دوره دیرکرد آنها به تفکیک اعتبارات اسنادی و تخصیص نوع ارز در تاریخ ترازنامه کاملا مخدوش و نامشخص می باشد.» گزارش فوق تخلف، اختلاس و دزدی را عوامل اصلی در وضعیت کنونی بانک صادرات ایران به شمار می آورد. جالب اینجاست که مدیرعامل بانک صادرات، شخصی به نام سیف باچنین پرونده ای و نیز ارتباط نزدیک با متهمان اصلی پرونده اختلاس ۱۲۳ میلیاردی به جای بازداشت و مجازات توسط رهبران جمهوری اسلامی از مدیر کلی بانک صادرات به مدیرعاملی بانک سپه ایران گمارده می شود. علاوه براین، در وضعیت بانک ملی ایران نیز بسیار وخیم و در واقع غرق در سوء استفاده مالی ست و گزارش مجلس به صراحت قید شده است که امارمنتر شده از اختلاس در این بانک فقط آنهایی است که توسط هیات مدیره بانک ملی گزارش شده، بعلاوه اینکه دربرگیرنده اختلاس های ۱ میلیون به بالا است!!! می توان نتیجه گرفت تنظیم کنندگان گزارش برای جلوگیری از افشای بیشتر به همین مقدار اکتفا کرده اند. در رابطه بابانک ملی، درآبان ماه سال جاری اعلام شد که، رئیس بانک ملی شعبه آبادان به جرم اختلاس بیش از ۱ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دستگیر شده است. این رقم از بودجه ستادبازسازی شهرآبادان اختلاس شده است. در ۱۰ دی ماه، روزنامه کیهان گزارش افشاگرانه ای از ابعاد فساد مالی انتشارداد. به گزارش این روزنامه مجاز، دریک موردبازرسی مالی مشخص شده که شرکتی دولتی ۳ میلیاردریال کالارابه ۶۰۰ برابر قیمت در بازار فروخته است. یک شرکت دیگر، که از شرکت های معتبردولتی می باشد از محل درآمدهای خود ساختمان سفارت دانمارک رادرتهران خریده است و چندتن از کارکنان شرکت رادر خارج از کشور دانشجوی بورسیه ای کرده و برای اتومبیل مدیران خود طرح ترافیک خریداری کرده است. یکی از مناطق آراضاجاری به یک شرکت پول می دهد تا آن شرکت کلابی را بخرد و به همان منطقه آزاد تجاری بفرشد.

در گزارش دیگری درمطبوعات مجاز اعلام شد، یک شرکت تعاونی بزرگ که دربخش خدمات فعال است به جرم گرانفروشی ۱۰ هزارحلقه لاستیک خودروسواری به میزان بیش از ۳۵ درصد به سازمان تعزیرات حکومتی معرفی شده است. این شرکت تعاونی بزرگ برای هر حلقه لاستیک مبلغ ۵۷ هزارریال اضافه بر قیمت مصوب دریافت می کرده است. اینگونه فعالیت های غیرقانونی، عملکرد روزمره شرکت های وابسته به سران و وابستگان رژیم است. رشوه خواری و حیف

ادامه در ص ۵

یکی از ویژگی های بارز جمهوری اسلامی، ابعاد گسترده رشوه خواری، اختلاس، تخلفات مالیاتی معاملات غیرقانونی کلان و بطور کلی فساد مالی است! این ویژگی درکنار تاریخ اندیشی، واپسگرایی، مردم ستیزی و زن ستیزی و... جوانب عمده سرشت رژیم «ولایت فقیه» را تشکیل می دهد. درارتباط با فساد مالی، طی سال های اخیر، اخبار و گزارشات گوناگونی در رسانه های همگانی درج گردیده که مهمترین آنه اختلاس ۱۲۳ میلیاردی شعبه ۲۰۷ تجریش بانک صادرات تهران بود که در آن گروهی از شخصیت های اصلی جمهوری اسلامی مانند محسن رفیق دوست و زیراسبق سپاه پاسداران و رئیس کنونی بنیاد مستضعفان بطور مستقیم و موثر دخالت داشتند.

طی ماههای گذشته نیز، خبرهای متعددی پیرامون ابعاد گسترش یافته فساد مالی یعنی چپاول ثروت ملی و غارت دارایی های مردم توسط گردانندگان رژیم «ولایت فقیه» درمطبوعات داخلی و خارجی بازتاب یافت.

چندی پیش، علیرضارخشنده رو، رئیس دیوان محاسبات جمهوری اسلامی طی مصاحبه ای با اشاره به تخلفات مالی بزرگ و پیامدهای اجتماعی آن به مقامات رژیم هشدار داد. سخنان این مقام مسوول، نشانگر ابعاد شگفت آور فساد مالی در رژیم است که به قول ولی فقیه آن سیدعلی خامنه ای، رهبران و گردانندگان «فقر» را در زندگی پیشه خود ساخته اند!!!

رئیس دیوان محاسبات کشور در گفتگو با خبرنگاران مطبوعات مجاز جمهوری اسلامی در زنجان به صراحت اعتراف کرد: «برخی شرکتهای دولتی از طریق دلالتی به کسب درآمد مشغولند و موجب افزایش قیمت ها و ایجاد تبعیض در جامعه و بین کارمندان و سازمانهای دولتی شده اند...» وی در بخش دیگری از این گفتگو اعلام داشت: «طولانی شدن طرح ها و در نهایت بالا رفتن هزینه ها به اقتصاد کشور لطمه زده است؛ بررسی ۳۰ طرح در سال ۱۳۷۵ نشان می دهد محدود ۲۸ سال مالی نسبت به پیش بینی هاعقب هستیم و ۳۵۰۰ میلیارد ریال هم از نظر مالی عقب افتاده ایم. بعضی از وزارتخانه ها با کارپردازی، معاونت عمرانی خود را به شرکت تبدیل کرده اند و از آن طرف شرکتهای کارهای عمرانی و خریدها را انجام می دهند و برای جبران باداش، مزایا و خدمات پرسنل خود، دست به فاکتورسازی می زنند و قیمت ها را افزایش می دهند. به عنوان مثال یک شرکت کامپیوتر دولتی، ۱۲۰ درصد سود از محل فروش به دست آورده که این فروش عمدتا به ادارات و شرکت های دولتی بوده؛ مدیران عامل این نوع شرکت ها حداقل ماهی ۶۰۰ هزار تومان دستمزد و سایر امتیازات می گیرند. یکی دیگر از شرکتهای بزرگ و معتبر دولتی مبالغ کلانی وام با سود ۱۸ درصد از بانک دریافت کرده و آن را به شرکتهای تابعه خود با سود ۳۰ درصد پرداخت نموده؛ اکثر شرکتهای جدید سرمایه گذاری به جای کار تولیدی بیشتر کارهای خدماتی (بخوان دلالتی) را انجام می دهند؛ شرکتی را سراغ داریم که اجرای کاری را به شرکت دیگر بعنوان پیمانکار دست دوم سپرده و حداقل ۳ برابر رقمی که اگر خود انجام می داد، توانسته سود و درآمد کسب کند. این گونه کار کردن یعنی ستاد بزرگ دلالتی و واسطه گری» وی در پایان این گفتگو اضافه کرد: «طی سال گذشته، چندین اختلاس در جهاد سازندگی سازمان تربیت بدنی و وزارت آموزش و پرورش کشف شده و یک اختلاس بسیار بزرگ هم درآبندة نزدیک پس از صدور رای اعلام می شود و جزئیات این اختلاس بسیار بزرگ به اطلاع مردم خواهد رسید...»!!!

البته، یادآوری این نکته ضروری ست که پس از گذشت چند روزی، رهبران درجه اول رژیم «ولایت فقیه» رئیس دیوان محاسبات کل را اودار کردند که رسما اعلام کند، مساله اختلاس بسیار بزرگ که در مصاحبه عنوان شده، نبوده و تکذیب می شود. رخنشده رو اجبارا گفت، مساله بزرگ نیست و ناچیز بوده است!!!

مساله شرکت های مختلط، خصوصی و نیمه دولتی که همچون قارچ در سال های گذشته به برکت اجرای سیاست «تعدیل اقتصادی» و «خصوصی سازی» طبق فرمان صندوق بین المللی پول در مین ماروئیده اند، بسی فراتر از آن چیزی است که رخنشده رو به آن اشاره می کند. بر پایه آمار دیوان محاسبات کل کشور، نزدیک به ۲۰۰۰ شرکت از این نوع با مشارکت و حضور وزراء فرماندهان سپاه پاسداران، مدیران وزارت اطلاعات، نمایندگان مجلس، گردانندگان نهاد ریاست جمهوری، مسوولان دفاتر ولی فقیه و خانواده و بستگان آنها... تشکیل گردیده که اصلی ترین عرصه فعالیت آنها، واسطه گری و دلالتی ست.

علاوه بر اینها، پس از افشاح مربوط به اختلاس ۱۲۳ میلیاردی، جوانبی از فعالیت بنیاد مستضعفان افشاء شد. در گزارشی که مجلس دوره چهارم رژیم تنظیم کرد درباره سوء استفاده های کلان این اختاپوس مالی از جمله آمده بود: «موسسات گوناگون تابع بنیاد مستضعفان خودگردان هستند، درجایی به ثبت نرسیده اند ولیستی از اموال و دارایی های منقول و غیر منقول ندارند، فاقد دفتر قانونی و سازمان بندی و ضوابط و آئین نامه می باشند، گزارش و مطلبی از فعالیت های آنها ثبت نیست و وضعیت مالی آنها مشخص نیست. به عنوان مثال، سازمان عمران و مسکن بنیاد بر خلاف وظایف

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران

حقوق بگیران و شرایط دشوار زندگی در جمهوری اسلامی

هر سال با فرارسیدن نوروز، مسئله عیدی، پاداش و میزان دستمزد حقوق بگیران کشور به شکل حاد در جامعه مطرح می شود.

طی چند سال گذشته، در اثر سیاستهای ضد ملی «تعدیل اقتصادی» که به فرمان نهادهای غارتگر سرمایه داری به ویژه صندوق بین المللی پول توسط گردانندگان رژیم «ولایت فقیه» به اجرا درآمده است، سطح زندگی اکثریت مطلق حقوق بگیران اعم از کارگر، کارمند، آموزگار، دبیر، اساتید دانشگاه ها و غیره به طرز فاحشی سقوط کرده و موجب گسترش فقر و محرومیت در ابعاد بی سابقه ای شده است.

در کنار اعمال این سیاست ها کوچکترین حمایت قانونی، حقوقی از زحمتکشان که سطح زندگی آنها مرتباً تنزل یافته و امنیت شغلی شان پایمال گردیده از سوی رژیم اتخاذ نشده است. در سال ۱۳۷۰ خورشیدی، با آغاز برنامه های به اصطلاح توسعه، به فرمان صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، قانونی زیر عنوان «قانون نظام هماهنگ پرداخت» در مجلس شورای اسلامی از تصویب گذشت که بر اساس آن می بایست جدول حقوق با تغییر اساسی در ۲۰ گروه و با ضریب ۱۰۰ تنظیم و برای هماهنگی دستمزد حقوق بگیران با تورم داخلی و تورم جهانی به دو شکل، یکی افزایش سالیانه در چارچوب ماده ۳۳ قانون استخدامی کشوری و به میزان تورم سالیانه داخل و دیگری افزایش ۳ الی ۵ درصدی برای انطباق با تورم جهانی، تنظیم و اجرا شود.

اما همین قانون نیز تاکنون توسط دولت جمهوری اسلامی اجراء نشده است. در این زمینه سخنان علی موسوی نماینده شیروان در مجلس رژیم بسیار افشاگرانه است، وی در ارتباط با نقش دولت جمهوری اسلامی در زندگی حقوق بگیران اعتراف می کند: «تکالیف مقرر در قانون نظام هماهنگ پرداخت و اجرای کامل این قانون اجرا نمی شود... محدودیت ها و بعضی دیدگاه های منفی نسبت به افزایش حقوق کارمندان در سازمان برنامه و بودجه، این کار به صورت کامل مورد توجه قرار نگرفته و قانون اجرائی می شود...! وضعیت حقوق بگیران کشور، بسیار اسفناک و فوق العاده نگران کننده است. در این باره آمار و نشانه های بسیاری وجود دارد. از جمله اینکه در ۲۳ آبان ماه سال ۱۳۷۵ میرحسین سیدزاده نماینده مرند طی نطقی در مجلس گفت: «در سال ۱۳۷۴ ۱۳۷۵ معلمان کشور ۸۲۴ میلیارد ریال کمتر از سایر وزارتخانه ها حقوق گرفته اند که ۵۰ درصد آنان بادر نظر گرفتن متوسط دریافتی زیر خط فقر به سر می برند...». وضعیت کارگران از همه وخیم تر می باشد.

شورای عالی کار جمهوری اسلامی نیز به جای تنظیم صحیح سطح دستمزد و اعلام حداقل آن در سال بر پایه منافع طبقه کارگر و مبتنی بر نرخ واقعی تورم، به پیروی از سیاست های کلی رژیم که کاملاً ضد کارگری است، میانگین دستمزد کارگران را در پایین ترین حد ممکن تعیین می کند. اکثریت کارگران ایران با توجه به سطح دستمزدهای خود در روز افزون تورم در فقر بسر می برند. روزنامه کیهان ۲۹ دی ماه ۱۳۷۵ از قول موسوی عضو کمیسیون اداری و استخدامی مجلس رژیم نوشت: «طبق ارزیابی این کمیسیون ۱ میلیون و ۱۱۹ هزار کارمند دولت زیر خط فقر زندگی می کنند...». شرایط بازنشستگی و مستمری بگیران نیز بسیار دردناک است. آنها از هیچ حمایت قانونی به معنی واقعی کلمه برخوردار نیستند. بدترین و نامرغوب ترین اجناس با قیمتی گزاف توسط بن به آنها تعلق می گیرد.

این واقعیت ها، نشانگر ماهیت مردم ستیز و واپس مانده رژیم است که با تقیاد میلیون ها تن و تحمیل اختناق و ارتجاع بر میهن ما، منافع فشرک کوچکی از تازه بدوران رسیده ها را با حرص و شتاب نامین و تضمین می کند. در اثر چنین عملکردی، زندگی و گذران حقوق بگیران و خانواده های آنها بادشواری های بزرگ روبرو شده است بدیهی است که چنین شرایطی به نارضایتی بیش از پیش توده ها منجر شود. جمهوری اسلامی طی ماههای اخیر، برای جلوگیری از اوج گیری اعتراض های متعدد و روبرو به گسترش حقوق بگیران و انفجار اجتماعی اقدام های پیش گیری کننده ای را تدارک دید. در بهمن ماه اعلام شد که به تمامی کارکنان دولت مبلغ ۳۰۰ هزار ریال به عنوان پاداش آخر سال (عیدی) پرداخت می شود.

بر اساس مصوبه هیأت دولت وزارتخانه ها و موسسات دولتی مشمول «قانون نظام هماهنگ پرداخت» کارکنان دولت، نیروهای مسلح، نیروهای انتظامی، قوه قضائیه و اعضاء هیأت علمی دانشگاه ها... مجازند به کارکنان خود اعم از رسمی، ثابت، بیمانی، خرید خدمت، قراردادی و موقت که بطور تمام وقت به کار اشتغال

دارند، مبلغ ۳۰۰ هزار ریال به نسبت مدت خدمت تمام وقت در سال ۱۳۷۵ به عنوان پاداش آخر سال - عیدی - پرداخت کنند. همچنین رسماً اعلام شده که با تصویب هیأت دولت عیدی بازنشستگان و مستمری بگیران و حقوق وظیفه از کار افتادگی و حقوق وراثت مستخدمان متوفی مشمول صندوق بازنشستگی کشوری و لشگری نیز ۳۰۰ هزار ریال مقرر شود.

همزمان، نجفی وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی گفت: «حق التدریس و حق مدیریت فرهنگیان افزایش می یابد». در یک اقدام مشابه اعلام شد که «جهت رفع مشکلات معیشتی استادان دانشگاه ها، افزایش ۳۰ درصدی حقوق اساتید برای سال ۱۳۷۶ به تصویب رسیده است...». پیش از این، مدیرکل دفتر طبقه بندی مشاغل سازمان امور اداری و استخدامی کشور اظهار کرده بود: «حقوق کارمندان و بازنشستگان با هزینه هائمتعداد می شود... از ابتدای سال ۱۳۷۴ ضریب حقوق کارکنان دولت از ۱۰۰ به ۱۲۰ ریال و سپس به ۱۴۰ ریال افزایش یافته است. در مورد کمک هزینه عائله مندی در سال ۱۳۷۵، با ۷۵ درصد افزایش نسبت به سال گذشته به رقم ۴۲ هزار ریال برای هر فرزند و نیز کمک هزینه اولاد با ۵۰ درصد افزایش برای هر فرزند به ۷ هزار و ۲۰۰ ریال رسیده است. در مورد بازنشستگان و وظیفه بگیران هم ما درصدد افزایش هستیم».

علی رغم این گونه اقدام های جمهوری اسلامی که ناشی از نگرانی روز افزون سران رژیم از اوج گیری نارضایتی توده ها است از آنجائیکه این افزایش دستمزدها، میزان پاداش، حق عائله مندی، حق اولاد و غیره، متناسب با رشد سرسام آور هزینه ها، نرخ واقعی تورم و در جهت تأمین و حمایت جدی از منافع حقوق بگیران تنظیم نگردیده است، بدیهی است که نتواند معضلی از حقوق بگیران را حل کند.

طبق قوانین موجود، حداقل حقوق و سایر مزایای کارمندان دولت - ۱۸۵۰۰۰/۷ ریال و حداکثر آن ۱،۲۰۰،۰۰۰ ریال است که میانگین رسمی حقوق عبارت است از ۳۳۶/۷۵۵ ریال. این میزان دستمزد مطابق با نیازهای یک خانواده کارمند نیست. خود رژیم میانگین حقوقی ۶۴۱/۲۲۳ ریال را برای خط فقر کارمندان قرار داده است. فقط یک جمع و تفریق ساده کافی است تا نشان دهد اکثریت کارمندان ایران زیر خط فقر زندگی می کنند و البته با معیاری که خود رژیم مقرر داشته است!!

چگونگی تهیه و تنظیم معیار دستمزدها و سطح زندگی در رژیم «ولایت فقیه» برای حقوق بگیران نشان دهنده ماهیت رژیم ضد ملی است. علی موسوی، عضو کمیسیون اداری و استخدامی مجلس در مقاله ای در کیهان به تاریخ ۲۹ دی ماه در این باره می نویسد: «... اگر می خواستیم قدرت خرید کارمندان را نسبت به سال ۱۳۵۸ که مبلغ ۳۷/۶۶۲ ریال بود حفظ نماییم، می بایست حقوق کارمندان را در سال ۱۳۷۵ به مبلغ ۹۶۵/۹۸۶ ریال برسانیم، اما با توجه به تصویب قانون برنامه اول توسعه سال ۱۳۶۸ به عنوان سال پایه فرض گردیده و متوسط حقوق ۷۱۰۸ ریال برای سال به عنوان حقوق پایه قابل فرض شده است...» به این ترتیب رژیم «ولایت فقیه» با پایه قراردادن ارقام بی پایه و اساسی مسأله دستمزدهای حقوق بگیران را بر پایه منافع بورژوازی ایران تنظیم کرده است. اما همین معیار غیر اصولی و من درآوردی که قدرت خرید کارمندان در سطح فوق العاده پایین نگاه داشته است نیز از سوی سران رژیم رعایت نشده است.

چنانچه سال ۱۳۶۸ و مبلغ ۷۱۰۸ ریال را مبنای محاسبه قراردادیم، می بایست حداقل دستمزد به جای ۳۳۶/۷۵۵ به مبلغ ۳۶۹/۰۵۲ ریال باشد. حال اگر نرخ تورم را نیز در محاسبه منظور کنیم به روشی می توان گفت کارمندان دولت ۳۷/۵ درصد تنزل قدرت خرید دارند!!! جالب اینجاست که علی رغم همه این واقعیت ها که جمهوری اسلامی به خوبی از آن آگاه است، بطور دائم و همه ساله در تدوین و تنظیم لایحه بودجه، با کاهش دستمزد به میزان و معیار دستمزد حقوق بگیران روبرو هستیم. کیهان ۲۹ دیماه در گزارش فوق الذکر اعتراف می کند که: «آنچه دردناک و معمول است و عمل می شود، فقط برای دستمزدها استاندارد در حد ۱۷ الی ۳۷ درصد کل هزینه ها مربوط به دستمزدهاست. یعنی در اجرای هر پروژه ۱۷ الی ۳۷ درصد کل بودجه به عنوان دستمزد به کارمندان و غیره و کارگران پرداخت می شود... در بودجه عملیاتی توجه دستمزد ها و کارمندان و غیره این موضوع بطور کلی در بودجه در نظر گرفته نمی شود...».

هم اکنون در اثر سیاست هایی همانند آنچه مورد اشاره قرار گرفت، قدرت

ادامه: ابعاد گسترده فساد مالی در رژیم ولایت فقیه

ومیل مالی فرماندهان سپاه در پروژه های عمرانی از منابع کسب درآمد برای سپاه پاسداران به شمار می رود، نمونه آشکار این ادعا سوء استفاده مالی بزرگ فرماندهان سپاه در جریان پروژه سدخاکی کرخه در خوزستان است. احمد ناطق نوری، با حمایت فعال برادرش علی اکبر ناطق نوری کلیه خرید و فروشهای زمین و ویلا در شمال و شمیرانات تهران را به خود اختصاص داده است. رفسنجانی و خانواده نزدیکان او، سهم معین از درآمدهای سرشار غیر قانونی و بادآورده در جزیره کیش و مناطق آزاد تجاری دارند. سال گذشته ماجرای اختلاس چند میلیون دلاری در دخانیات ایران افشاء شد. مدیرعامل دخانیات که میلیون هادار از این راه به جیب زده و حسابهای سری در بانک های سوئیس برای خود و همسرش باز کرده بود توسط دادگاه ها رژیم مورد «لطف» قرار گرفت زیرا نامبرده از عناصر مهم انجمن سیواسواک ساخته حجتیه بود و هم اکنون نیز از فعالان سرشناس آن محسوب می شود. عیسی کلانتری وزیر کشاورزی و مدافع سینه چاک صندوق بین المللی پول، از بنیادگذاران باشگاه سبز وزارت کشاورزی است که به گفته مسوولین دیوان محاسبات کل کشور، تاسیس این باشگاه ۱ میلیارد تومان هزینه در برداشته و این هزینه از اعتبارات دولتی بوده است.

از سوی دیگر، یکی از جنبه های فساد مالی، تخلفات عدیده مالیاتی توسط بازاریان است. در ۱۵ آبان ماه سال ۱۳۷۵ روزنامه کیهان چاپ تهران گزارش گردهمایی فرهنگ مالیاتی را انتشار داد. در این گردهمایی اعلام شد، در حال حاضر مالیات وصولی از اصناف سالیانه بین ۸۰۰ تا ۹۰۰ میلیارد ریال است. هم اکنون مالیات ۱۹/۵ درصد بودجه کل کشور را تامین می کند که سهم اصناف بازاریان در پرداخت مالیات ۳ درصد است. در ارتباط با وصول مالیات، معاون مالیاتی وزارت اقتصاد و امور دارایی اعلام کرده است که باره اندازی سیستم های کامپیوتری تاکنون ۵۰ پرونده بزرگ مالیاتی تشکیل شده است. وی تاکید کرد که برای وصول مالیات کد اقتصادی در نظر گرفته شده که در واقع پشتوانه اطلاعاتی برای ممیزهای مالیاتی است.

در مورد کد اقتصادی، بازار به هیچ عنوان حاضر نیست آنرا عملی و رعایت کند. روزنامه های مجاز جمهوری اسلامی در گزارشی پیرامون این مسئله نوشتند در بازار تهران، اصفهان، تبریز و مشهد اعتراض و مخالفت با سیستم کد اقتصادی بسیار جدی ست. بطور مثال در بازار تهران قیمت کالاهای آن دسته از فروشندگان که کد اقتصادی دارند، گرانتر از فروشندگان بدون کد است. شیوه جعل فاکتور در بازار رواج وسیع دارد. جالب اینجاست که آن دسته از بازاریان که وادار به دریافت کد اقتصادی می شوند پیشاپیش قیمت کالاهای خود را افزایش می دهند.

در این مورد، جناح رسالت از بازاریان حمایت قاطع می کند. مرتضی نبوی از گردانندگان روزنامه رسالت و از چهره های پرنفوذ باند حجتیه - رسالت بطور جدی اعلام کرده که کد اقتصادی باید ابتدا از شرکت های مادر و بزرگ دولتی آغاز شود و سپس اگر موفق بود در سایه عرصه ها اعمال شود. معنای این موضع گیری این است که بازاریان و تجار «محترم» و منافع آنها نباید مورد تعرض قرار گیرد و آنان باید از هر نوع عملی که منافع آنها را تهدید کند بزرگوار باشند. فساد مالی آنچنان ابعاد گسترده ای یافته است که برخی از مسوولین و چهره های سرشناس رژیم «ولایت فقیه» وادار به انجام مانورهای مردم فریبانه در این زمینه شده اند. این مانورها برای خنثی کردن اعتراضات مردمی است و پویا واقعی ندارد. به عنوان نمونه ری شهری، جلال رژیم اعتراف می کند: «در حال حاضر در ایران بعضی ها با تشکیل شرکت های صوری و زدن یک تلفن صاحب چند میلیارد تومان پول می شوند، این اشخاص قبلاً هزار تومان هم درآمد نداشتند.»

و با علیرضا محجوب، مهره هوادار باند رفسنجانی و عضو کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس شورای اسلامی می گوید: «حتی ثروتمندان غرب هم نمی توانند مانند برخی از سرمایه داران مازندگی کنند...» این نوع موضع گیری ها نه از سر دلسوزی بلکه بر حمایت و نجات منافع و مصالح رژیم ولایت فقیه استوار است و در این جهت ادامه می شود!

کوتاه سخن: رژیم ولایت فقیه عامل اصلی و اساسی همه گونه فجايع و بدبختی میهن ماست. این رژیم در سایه سرکوب احزاب و نیروهای آزادیخواه و ملی و اعمال ترور و اختناق سیاه دست به چپاول ثروت ملی مردم ایران زده است. فساد مالی در جمهوری اسلامی، امری تصادفی و گذران نیست بلکه از سرشت ضد ملی رژیم نشأت می گیرد. بورژوازی تجاری و بورژوازی بوروکراتیک از این راه به ثروتهای نجومی رسیده اند و همین امر نشانه ماهیت انگلی آنهاست. زراندوزی سران رژیم به بهای فقر گسترده مردم به دست آمده و می آید!

مردم ایران و پیشاپیش همه زحمتکشان میهن ما بر دریایی از ثروت زندگی می کنند و به دلیل حاکمیت رژیمی واپس مانده در باتلاقی از فقر بسر می برند.

ادامه حقوق بگیران ...

خرید حقوق بگیران به شدت آسیب دیده و در سطح نازلی قرار دارد. تبلیغات حکومتی پیرامون اضافه شدن ضریب ۱۰۰ به ۱۲۰ و سپس ۱۴۰ ریال پایه عینی نداشته و مطابق بارش تورم نیست. و کمکی در افزایش قدرت خرید حقوق بگیران نمی تواند داشته باشد. به بیان روشن یعنی اینکه تبلیغات در باره ضریب ریال (و افزایش آن و تعادل درآمدها و هزینه ها، بوجوبی پشتوانه می باشد.

در همین حال سران جمهوری اسلامی، در راستای سرسپردگی به صندوق بین المللی پول و تضمین منافع سرمایه داران قویا با هر گونه افزایش دستمزد مخالف است. رفسنجانی، ناطق نوری، کمالی، میرزاده، محجوب و دیگران بارها اعلام کرده اند با هر گونه افزایش حقوق «بی رویه» که آثار تورمی برجای خواهد گذاشت، مخالف هستند.

واقعیات خلاف ادعاهای رژیم و مسوولان آن است. کمیسیون امور اداری و استیجادی مجلس در یک ارزیابی اخیر خود صراحتاً اعلام کرد که تورم ناشی از افزایش حقوق زیر ۱ درصد است. در دوم بهمن ماه ۱۳۷۵ مطبوعات خبر دادند، هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی با بررسی افزایش ضریب حقوق کارمندان مخالفت کرده و هر گونه افزایش را مغایر با اصول برنامه توسعه دانسته است.

چند ماه قبل نیز دولت و مجلس در اقدامی هماهنگ اجرای لایحه افزایش معافیت مالیاتی حقوق بگیران دولت را بحالت تعلیق در آوردند. زیرا به زعم آنها تأثیرات سیاسی داشت !!! سازمان تامین اجتماعی نیز سرانجام اعلام کرد از ابتدای سال ۱۳۷۵ افزایش بن و حق سنوات بازنشستگان از ابتدای سال ۱۳۷۵ بطور هر ماه مبلغ ۲۰ هزار ریال پرداخت می شود!!!

با توجه به آنچه اشاره رفت، می توان با قاطعیت اعلام کرد که شرایط زندگی حقوق بگیران به دلیل عملکرد رژیم «ولایت فقیه» هر روز با وخامت بیشتری روبرو می گردد. اقدامات نیم بند و بی اثر رژیم تأثیری در وضعیت ندارد. تنها در برتو مبارزه مشترک و متحد حقوق بگیران کشور می توان جلوی فاجعه را گرفت.

میزان دستمزد، پاداش، عیدی، بیمه درمانی، مالیات، معافتهای مالیاتی، حق عائله مندی و غیره می باید بر پایه نیازهای روزمره و عینی جامعه و منافع تردید ناپذیر حقوق بگیران تنظیم و تدوین و اجرا شود. حزب ما، تضمین امنیت شغلی، افزایش متناسب و اصولی دستمزدها افزایش جدی و پیگیر قدرت خرید و تدوین نظام دموکراتیک پرداخت مالیات در جهت منافع حقوق بگیران تامین مسکن و زندگی متناسب و شایسته حقوق بگیران را از راه اصول مبارزاتی خود می داند و در راه آن قاطعانه و بی تزلزل بیکار می کند. تامین منافع زحمتکشان ایران و دفاع از حقوق آنها اصل بنیادین مبارزه حزب مادر راه طرد رژیم «ولایت فقیه» و برقراری آزادی و عدالت اجتماعی است.

X X X

ادامه بزرگداشت روز جهانی ...

توضیح داد.

مردم در طی گردهمایی با شعارهایی نظیر «دولت باید استعفا کند» و «شرم بر دولت باد» مخالفت خود را با دولت ائتلافی راست حاکم ابراز می کردند. لازم به تذکر است که در ماه های اخیر بیش از ۱۱۰٫۰۰۰ از کارگران بخش های بهداشت، آموزش و راه آهن در اعتصاب بوده اند. مراسم بزرگ دیگری نیز در بزرگداشت روز جهانی همبستگی طبقه کارگر در شهرهای بزرگ چک از سوی حزب کمونیست سازمان داده شده بود.

در جمهوری اسلواک

بزرگ ترین مراسم اول ماه در شهر هومنه در ۳۰ کیلومتری مرز این کشور با اوکراین برگزار شد که در آن هزاران تن از طرفداران حزب کمونیست و فعالین اتحادیه های کارگری به راهپیمایی پرداخته و یک گردهمایی رزمی را سازمان دادند.

در اکثر کشورهای سرمایه داری نظیر انگلیس، آلمان، فرانسه و بلژیک مراسم اول ماه به شرکت ده ها هزار تن از فعالین اتحادیه های کارگری به مراسم تجدید عهد طبقه کارگر به ادامه مبارزه علیه سرمایه داری و امپریالیسم تبدیل شد.

ادامه اطلاعیه کمیته مرکزی ..

حالی که در چند سال اخیر این نواحی به دفعات فاجعه زلزله را از سر گذرانده اند به اعتراف کارشناسان جمهوری اسلامی هنوز ۹۰ درصد از خانه های روستایی کشور از خشت و گل بوده و ۷۰ درصد از ساختمان های شهری نیز بدون رعایت اصول صحیح مهندسی ساخته می شود در نتیجه بخش اعظم ساختمان های روستایی و شهری در برابر زلزله های متوسط نیز با ویرانی های بزرگ روبرو می شوند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران این فاجعه بزرگ را به مردم میهن ما خصوصاً اهالی خراسان از صمیم قلب تسلیت می گوید و کمک نیروهای انسان دوست ایران و جهان به آسیب دیدگان این فاجعه را یک وظیفه انسانی خطیر می شمارد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
سه شنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۷۶

ادامه: تودهنی انتخابات اصلح ...

و طرفداران، به مثابه یک حزب سیاسی درست قبل از برگزاری انتخابات مجلس پنجم نشان داد که رهبران رژیم «ولایت فقیه» در این زمینه با هم اختلاف نظر دارند و زمینه های عینی این اختلاف نیز در منافع گروهی این نیروها نهفته است.

طرفداران رفسنجانی که به مثابه بخش مهمی از بورژوازی بوروکراتیک نوین ایران توانسته بودند در هشت سال حکومتشان، با قبضه کردن نهادهای دولتی به منابع مالی عظیمی دست یافته و آن را در اختیار خود قرار دهند نگران بودند که با تغییر و تحولات در هرم حاکمیت، و خصوصاً از دست دادن دولت، منافع مالی - سیاسی آنان با خطر روبرو شود و از اهرم های قدرت محروم شوند. به عبارت دیگر همان روندی که رفسنجانی و گروه رسالت توانستند به جناح دیگر رژیم، یعنی گروه موسوم به «خط امام» تحمیل کنند و در پی مرگ خمینی آنها را از دولت و اهرم های قدرت محروم نمایند، در مورد آنان تکرار شود. در چنین شرایطی است که طرفداران رفسنجانی دست همکاری به سوی کسانی دراز می کنند که زمانی آنها را از قدرت رانده اند تا بتوانند منافع گروهی خود در درون حاکمیت را پاسداری کنند.

مسئله ای کلیدی که در شرایط کنونی باید به آن توجه کرد و پاسخ روشنی به آن داد این است که ثمره انتخابات در رژیم جمهوری اسلامی چه می تواند باشد. آیا می توان امیدوار بود که با پیروزی نیروهای «معتدل تر» راه به سوی تحولات به نفع محرومان و زحمتکشان گشوده شود. آیا می توان امیدوار بود که با پیروزی این نیروها استبداد از مین ما بیرون رانده یا حتی کم رنگ تر شود و آزادی جاننشین آن گردد. و مهم تر از همه میزان «اصلاحات» و یا «تغییراتی» که پیشنهاد می شود در چه سطحی است؟

پاسخ دادن به این سوالات ها کار دشواری نیست. نامزدهای باقی مانده در انتخابات و نیروهای سیاسی - اجتماعی که از آنان حمایت می کنند، نیروهای ناشناخته و تازه واردی به صحنه سیاسی کشور نیستند. همه این نیروها پیشینه روشنی از حکومت و حکومت مداری دارند و بر اساس عملکردهای آنان می توان تصویر روشنی از برنامه های آینده آنها نیز به دست آورد.

گروه طرفداران «خط امام» طرفداران روزنامه «سلام»، مجمع روحانیون مبارز، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و نیروهای اطراف آنان، سال های طولانی بخش های اساسی از حاکمیت جمهوری اسلامی از ریاست مجلس (در دست کروی) تا ریاست قوه قضائیه در دست (موسوی اردبیلی و دادستانی موسوی خوئینی ها) و در دوران طولانی ریاست دولت در دست موسوی در انحصار خود داشته اند و سابقه روشنی از عملکرد در عرصه های مختلف دارند. این پیشینه نشانگر آن است که در عمده ترین خطوط از احترام به آزادی ها و حقوق دموکراتیک تا مسأله تحقق عدالت اجتماعی تفاوت اساسی جدی میان آنچه که این نیروها در هنگام زمامداری خود کردند و آنچه که ائتلاف هشت ساله رفسنجانی - رسالت کرد، نمی توان مشاهده نمود. در دوران حکومت همین گروه بود که خشن ترین و وحشیانه ترین جنایات علیه نیروهای مترقی مین ما در اعمال شد و هزاران تن از بهترین فرزندان مین ما در قربانگاه های رژیم سلاخی شدند و حضرات برای آن هورا کشیدند و آن را جهاد «حق علیه باطل» اعلام کردند. و باز در دوران سکان داری همین نیروها بود که بازاریان محترم توانستند این چنین بر حیات مالی اقتصاد کشور حاکم شوند و در مقابل آن حقوق کارگران و زحمتکشان سرکوب شود. قانون سیاه کار توکلی و سرکوب خشن اعتراض های وسیع کارگری در کارخانه

ها و واحد های تولیدی گوناگون نیز ثمره همین دوران از تاریخ جمهوری اسلامی در کشور ماست. در مقابل این گروه نیروهای حجتیه و رسالت ایستاده اند که از روز نخست مخالف سرسخت انقلاب، قانون اساسی و هرگونه دست آورد مترقی بودند که به دست توانمند توده ها به حاکمیت برآمده از انقلاب تحمیل شده بود. این نیروها کسانی هستند که از خمینی ها و نیروهای طرفدار «خط امام» سرکوب خوین، خشن و بی رحمانه نیروهای مترقی را از همان فردای انقلاب طلب می کردند و پیگیرانه مردم ستیزی، آزادی ستیزی و تاریک اندیشی خود را در مقاطع مختلف آشکارا به نمایش گذاشته اند. نیروی ساواک ساخته ای که بخش مهمی از رهبری آن را وابستگان به فراماسیونری و سازمان سیا تشکیل می دهد این نیرو نماینده سیاسی کلان سرمایه داری تجاری و از نظر رهنمایی نماینده قشری ترین و تاریک اندیش ترین بخش نیروهای مذهبی جامعه ما است.

گروهی در جامعه ما امروز به این بحث دامن می زنند که در شرایط کنونی می بایست از میان «بد» و «بدتر»، «بد» را انتخاب کرد و منتظر فرصت دیگری برای تغییر «بد» بود. این نظر نافی این حقیقت است که تصمیم گیری درباره سیاست های کلان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی رژیم در جایی و توسط کسانی انجام می شود («ولی فقیه»، مجمع تشخیص مصلحت و غیره ...). که تغییر ریاست جمهوری اثر چندانی بر آن نخواهد داشت. در هشت ساله گذشته رفسنجانی «معتدل»، «پراگماتیک» و ... همان مجموعه سیاست هایی را اجرا کرد که عسگر اولادی، تاریک اندیش، متحجر و ارتجاعی خواهان آن بود. وجه مشترک و هدف واحد و اساسی این سیاست ها نیز چیزی جز حفظ و ادامه رژیم ضد مردمی و استبدادی «ولایت فقیه» نبوده و نیست.

ساختار کنونی حکومتی در ایران یعنی حاکمیت «ولایت فقیه» آنچنان روابط، و بنیادهایی را در کشور ایجاد کرده است که هیچگونه تغییر اساسی با وجود این ساختار امکان پذیر نیست. عزل بر سر و صدای آیت الله منتظری از مقام نایب «ولی فقیه» تنها به دلیل مخالفت او با کشتار های زندانیان سیاسی به روشنی ماهیت و چگونگی عملکرد چنین ساختاری را نشان می دهد. رژیم «ولایت فقیه» از مجریان و کارگزاران حکومتی رعایت جدی مصالح و سیاست های عمده خود را طلب می کند. ولایتی وزیر امور خارجه رژیم در مصاحبه با خبرنگار آسوشیتد پرس (یکشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۷۶) ضمن اعتراف صریح به این امر در مورد تغییر احتمالی سیاست خارجی ایران پس از رفسنجانی از جمله گفت: «از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، طبق قانون اساسی، اصول سیاست خارجی ما را رهبر انقلاب ترسیم کرده است و با تغییر رئیس جمهور، سیاست خارجی ایران قطعاً تغییر نخواهد کرد...». تجربه دیگری را که می توان به آن اشاره کرد اتفاقاً پس از مرگ خمینی و دوران رییس جمهوری رفسنجانی است که بدنیل برخی تغییرات سطحی و کاسته شدن از فشارها جنبش های اعتراضی در درون کشور رشد یافت، فعالیت های نیمه علنی اجتماعی، فرهنگی در گوشه و کنار جامعه رشد کرد و نگرانی زیادی را در درون حاکمیت ایجاد کرد. این روند اجرائی «پراگماتیسم اجتماعی - سیاسی» با یک فرمان «ولی فقیه» مبنی بر مبارزه با «تهاجم فرهنگی غرب» متوقف شد، چماق داران بر خیابان ها حاکم شدند مردم معترض به گلوله بسته شدند و رییس جمهور «معتدل»، «پراگماتیک» و «رفرمیست» در دفاع از این اعمال جنایتکارانه مردم معترض را «ارازل و اوباشی» نامید که از «آزادی» در جامعه سوء استفاده کرده اند.

بر این اساس ما نمی توانیم کوچکترین خوش بینی

در مورد سرنوشت این انتخابات و تأثیر آن بر زندگی مردم داشته باشیم. تا هنگامی که در ایران رژیم «ولایت فقیه» حاکم است و استبداد مطلق در سیمای «ولی فقیه» بر همه قوانین، نهاد ها و ارگان های مدنی، قانونی، اقتصادی و سیاسی کشور حکومت می کند تصور اینکه تغییر رییس جمهور به تغییر کیفی اوضاع منجر خواهد شد، توهمی است که به عنوان مخدري در جامعه می تواند عمل کند. چاره درد در جای دیگری است. این توده ها هستند که می توانند سرنوشت آینده مین ما را رقم بزنند. این توده ها و خصوصاً کارگران و زحمتکشان هستند که می توانند با سازمان دهی و مبارزه مشترک استبداد کنونی را درهم بکوبند و راه را برای تحول آینده بگشایند. بدون یک جنبش وسیع و سازمان یافته مردمی با برنامه مشخص و واحد در بر همین پاشنه خواهد چرخید. روسای جمهور می آیند و می روند، دولت ها، وزرا و مدیران عوض خواهند شد، ولی سرکوب، آزادی کنشی، ظلم، محرومیت، بی عدالتی به یمن وجود رژیم استبدادی «ولایت فقیه» همچنان باقی خواهد ماند.

ادامه دکتر پیمان: مبارزه در راه ...

قدم نهادن در جاده همکاری و وفاق ملی و بنیان نهادن پایه های مردم سالاری به وجود آمده بود، نادیده گرفتند...

چند روزی از اعلام داوطلبی جهت ثبت نام در انتخابات نگذشته بود که با امواج پی در پی خشونت و فشار از سوی نهادهای رسمی و باند های سرکوبگر روبرو شدیم که با حمایت مستقیم نیروهای امنیتی و انتظامی در سراسر کشور، از تشکیل جلسات سخنرانی و بحث و گفتگو با مردم جلوگیری کرده و با ضرب و شتم و ایجاد رعب، اجتماعات مردم را پراکنده می ساختند ... بر شما پوشیده نیست که اشرافیت جدید انحصار طلب، کنترل منابع و نهادهای اقتصادی، سیاسی و قضائی و نفوذ و رخنه موثر در نهادهای امنیتی و انتظامی می کوشد تا راه را بر هر تحول اصلاحی در جهت زدودن خشونت و خودکامگی و برقراری حکومت قانون و اراده مردم مسدود ساخته و با برداشتن گامی دیگر استیلايي خود را بر ساخت قدرت سیاسی کامل گرداند... رأی شورای نگهبان، خواست و اراده حقیقی مردم را تغییر نمی دهد و توضیحات سخنگوی آن شورا در بیان علل کنار زدن نامزدهای مستقل، کسی را قانع نکرد. ... این همه کار شکنی در برابر حضور آزاد و قانونی نیروهای مستقل در عرصه فعالیت های انتخاباتی، نباید باعث دلسردی علاقمندان به آزادی و مردم سالاری شود. انتظار من از همه دوستان مبارز و هموطنان هوشیار و زنان و مردان بیدار دل و جوانان و دانشجویان آزاده ایران و دیگر اقمشار زحمتکش که پیوسته قربانی ستم طبقاتی، استبداد زدگی و قهر و خشونت سازمان یافته بوده اند، این است که به رغم یک چنین رأی ناعادلانه ای، از ادامه تلاش برای سد کردن راه سلطه مطلقه نمایندگان سرمایه داری دلال و هم پیمانان واپسگرا و تاریک اندیش آنان بر ارکان سیاسی کشور باز نایستند و با ادامه حضور فعال خود در کلیه عرصه های فعالیت سیاسی، فکری، فرهنگی و اجتماعی به انحصار طلبان و دشمنان آزادی و عدالت جواب نه بگویند و از تسلط بیشتر آنان بر سرنوشت ملک و ملت جلوگیری کنند. تلاش مسالمت آمیز و قانونی ما برای تأمین حقوق و آزادی های مردم و رفع تبعیض و ستم و زور گوئی، با انتخابات آغاز نشد و با آن پایان نمی یابد. این مبارزه تا تضمین کامل آزادی و امنیت و حاکمیت مردم و استقرار عدالت اجتماعی، ادامه می یابد...

رویدادهای جهان



پیروزی طبقه کارگر

شکست مفتضحانه حزب محافظه کار انگلیس در انتخابات پارلمانی این کشور را که در روز ۱۱ اردیبهشت انجام گرفت باید دستاوردی مهم برای ترقی خواهان و جنبش کارگری انگلیس دانست. پیروزی حزب کارگر با اکثریت ۱۷۹ کرسی پس از ۱۸ سال حکومت محافظه کاران که کمر به محو جنبش کارگری و سیستم رفاه اجتماعی انگلیس بسته و با تصویب و عملی کردن قوانین ارتجاعی و ضد مردمی چهره اقتصادی- اجتماعی- سیاسی انگلیس را دگرگونه کرده اند، بالقوه در بردارنده امکانات متعددی برای طبقه کارگر می باشد. ابعاد شکست محافظه کاران تاریخی و بی سابقه بوده و به همین لحاظ اعتماد به نفس عمیقی را به طبقه کارگر داده است. تعداد آرای محافظه کاران در پایین ترین حد خود از زمان انتخابات سال ۱۹۰۶ می باشد. در مقایسه با انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۲ که در طی آن محافظه کاران ۲/۵ میلیون رای بیشتر از حزب کارگر بدست آوردند، در این انتخابات آراء حزب کارگر ۴ میلیون بیشتر از آراء محافظه کاران بود. در دو منطقه وسیع اسکاتلند و ولز اصولاً هیچ نماینده محافظه کار انتخاب نشد.

تحلیل آراء طبقه کارگر نشان می دهد که ۴۹ درصد کارگران بقیه سفید، ۵۶ درصد کارگران ماهر و ۶۲ درصد کارگران جزء و غیر ماهر و با بیکار و کم درآمد به کاندیداهای حزب کارگر رای دادند. درصد آراء حزب لیبرال دموکرات که بعد از محافظه کاران در جای سوم قرار دارد از اقشار بالا به ترتیب ۲۰ درصد، ۱۴ درصد و ۱۴ درصد می باشد. ۵۹ درصد اعضای اتحادیه های کارگری به حزب کارگر و ۲۰ درصد آنها به حزب لیبرال دموکرات رای دادند. تقریباً ۲۵ درصد نمایندگان حزب کارگر در پارلمان زن هستند و این خود در تاریخ انگلیس بی سابقه است. دولت جدید برنامه خود را برای تصویب قانون حداقل حقوق، اعطای خودگردانی به اسکاتلند، ایجاد ۲۵۰ هزار محل اشتغال برای جوانان بیکار و بهبود ساختاری سیستم آموزشی اعلام کرده است.

به موازات بتانسیم ممکن برای اصلاحات اجتماعی در داخل انگلیس، نباید فراموش کرد که حزب کارگر همیشه در قدرت دنبال کننده سیاست های امپریالیستی بین المللی بوده است و مطمئناً از دولت جدید نمی توان انتظار سیاست های بین المللی ترقی خواهانه رادیکالی داشت. لیکن این نیز طبیعی است که سیاست خارجی این کشور به عوض همکاری و حمایت از رژیم های دیکتاتوری و پیروی کورکورانه از امپریالیسم آمریکا بر سیاستی معتدل قرار گیرد. رابین کوک، وزیر خارجه جدید و از قدرتمندترین اعضای کابینه قول داده است که حقوق بشر محور سیاست خارجی انگلیس خواهد بود.

تسلیم در مقابل ناتو

گزارش های منتشره در رسانه های عمومی جهان حاکی از آن است که علی رغم تکذیب های مقامات روسی، دولت یلتسین عملاً آماده امضاء منشور همکاری روسیه با ناتو شده است که گسترش ناتو در شرق اروپا را در برمی گیرد. نیکلاس بارتر، سخنگوی وزارت خارجه روسیه فاش کرد که در جریان ملاقات وزیر خارجه ایالات متحده خانم مارلین آلبرایت با وزیر خارجه روسیه پریماکوف، پیشرفت های فراوانی در مورد منشور روسیه- ناتو حاصل شده است. طبق گزارش واشنگتن پست روسیه از تقاضای قبلی خود- محدودیت کلی در مورد تعداد نیروهای ناتو و تسلیحات- چشم پوشیده است. روسیه هنوز خواستار منع استقرار تسلیحات اتمی ناتو یا ساختمان زیر بناهای نظامی در کشورهای عضو جدید می باشد. مقامات غربی از قبول این خواسته ها سرباز زده اند.

پریماکوف در روز ۱۵ اردیبهشت ماه از لوگزامبورگ با خاویر سولانا، دبیر کل پیمان نظامی ناتو ملاقات کرد. یک مقام رسمی در وزارت خارجه روسیه گفت که پیشرفت بیشتر در مورد منشور «تماماً بستگی به ناتو» دارد. مقامات غربی در ظاهر می گویند که آنها هیچ گونه طرحی برای استقرار سلاح های اتمی در خاک اعضای جدید ناتو ندارند لیکن مقامات وزارت خارجه روسیه اصرار می ورزند که باید این مساله در مدارک رسمی و قانونی تصریح و به امضاء برسد. این مقام رسمی روسی متذکر شد که رهبران غربی در سال ۱۹۹۲ کوشش کرده بودند که وحشت از پروسه وحدت در آلمان را با دادن وعده به میخائیل گارباچف مبنی بر اینکه پیمان ناتو گسترش نخواهد یافت تخفیف بدهند. او متذکر شد «اکنون هیچکس آن ادعاها را بیاد نمی آورد». در همین روز نیروهای هوادار اتحادیه ملی- میهنی روسیه که حزب کمونیست نیروی اصلی آن است تظاهرات همزمان اعتراضی را در مقابل سفارتخانه های کشورهای ایالات متحده، فرانسه، ایتالیا، آلمان و انگلستان در مسکو سازمان داد. تظاهر کنندگان پلاکاردهایی با شعارهای «گسترش ناتو، نه!» و «دست ها از روسیه کوتاه» حمل می کردند. در همین روز گنبدی زیوگانف رهبر حزب کمونیست روسیه در سخنانی که در پرودا چاپ شد گفت که نمایندگان حزب در مجمع پارلمانی شورای اروپا یک کارزار «نه به ناتو» در سراسر اروپا راه انداخته اند. او مطرح کرد که سوسیالیست ها و سوسیال دموکرات های بسیاری از کشورهای اروپا در مورد گسترش ناتو نگران هستند. مردم سراسر روسیه مراسم سالگرد پیروزی بر فاشیسم هیتلری در روز ۱۹ اردیبهشت را به «روز اعتراض علیه گسترش ناتو» تبدیل کردند.

آلبانی و انتخابات دموکراتیک

چند هفته پس از شورش های توده ای که کشور را در بحرانی عمیق و همه جانبه فرو برده مطبوعات غرب اکثراً سکوت سوال برانگیزی را در قبال تحولات این کشور در پیش گرفته اند. واحدهای نظامی ایتالیا در کشور مستقر شده اند و ایتالیا و ایالات متحده سخت در تلاشند که سمت و سوی رخدادها را طوری تحت تاثیر قرار دهند که آینده این کشور همخوان با سیاست های ناتو و اتحادیه اروپا باشد. غرب امیدوار است که بتواند خلع سلاح گروه های مسلح را تسریع کرده و با سرهم بندی کردن یک انتخابات فرمایشی نیروهایی بر سر کار بیاورد که چون دولت رییس جمهور سابق، سالی بریسا سرسیده باشد. اختلافات بین حزب دموکراتیک سالی بریسا و حزب سوسیالیست در مورد توافق بر سر مفاد اساسی ترتیب

انتخابات زودرس در ماه ژوئن ادامه یافته است. سوسیالیست ها خواستار آند که دولت کنونی به عنوان پیش شرط یک قانون انتخاباتی جدید را تایید کند. با توجه به افتضاح انتخابات قبل و وسعت تقلبات که منجر به تحریم انتخابات از سوی سوسیالیست ها گردید این یک خواست منطقی است. حزب دموکرات در مقابل اصرار می ورزد که سوسیالیست ها ابتدا کمیته های شورشی مسلط بر شهرهای جنوب را برچینند. حزب سوسیالیست می گوید که این کمیته ها تحت کنترل آن نیستند. در اواسط اردیبهشت ماه، روزنامه های عمده تیرانا گزارش کردند که مادالین آلبرایت، وزیر خارجه آمریکا از باشکیم فینو، رهبر حزب سوسیالیست و نخست وزیر آلبانی دعوت کرده است که از واشنگتن بازدید نماید. محافل مطلع تیرانا خاطر نشان می سازند که این دعوت اختطاری به پرزیدنت سالی بریسا است که بر سر راه فینو گرفتاری ایجاد نکند.

تلاش ها برای حل مشکل ناگورنی قره باغ

مسئولان مشترک گروه برگمارده از طرف سازمان امنیت و همکاری اروپا برای حل بحران قره باغ در اواسط اردیبهشت در مسکو با مادالین آلبرایت، وزیر خارجه آمریکا و یوگنی پریماکوف، وزیر خارجه روسیه ملاقات کردند.

در ۱۴ اردیبهشت حیدر علی اوف، رییس جمهور آذربایجان گفت که او کوشش های پیشتر کنفدراسیون کشورهای مستقل را به خاطر میانجی گری در حل مساله قره باغ خوش آمد خواهد گفت. روزنامه نزاویسمیایاگارتا در روز ۱۵ اردیبهشت از قول سفیر ایران در باکو، علیرضا بیگدلی گفت که ایران «مصممانه» با ارمنستان مساله آزاد کردن اراضی اشغال شده توسط ارمنستان را مطرح خواهد کرد. حیدر علی اوف در روز ۱۴ اردیبهشت در آنکارا با سلیمان دمیرل، رییس جمهور ترکیه ملاقات و یک بیانیه استراتژیک همکاری را به امضاء رساند. دو رییس جمهور همچنین ۷ توافقنامه عمده تجاری و همکاری اقتصادی را به امضاء رسانیدند. دمیرل قبل از ملاقاتش با علی اوف به رسانه های خبری گفت که آنها «ایده های جدید همکاری با کشورهای منطقه برای حل مساله ناگورنی قره باغ» را مورد بحث قرار خواهند داد. انتظار می رود که دو رهبر در مورد دورنمای یک خط لوله از طریق آناطولی برای انتقال نفت حوزه دریای خزر آذربایجان به ترمینال جیحان ترکیه نیز بحث کنند.

تولد جمهوری دموکراتیک کنکو

در آخرین لحظاتی که «نامه مردم» برای انتشار آماده می شد خیزش مردمی مردم ژئیر پس از گذشت شش ماه، با فرار موبوتو از کشور و ورود نیروهای جبهه ائتلافی به کینشازا پایتخت ژئیر به پیروزی رسید و یکی دیگر از رژیم های دیکتاتوری، منفر و وابسته در آفریقا به زباله دان تاریخ سپرده شد. لارنت کابیلا رهبر جبهه ائتلافی ضمن دادن خبر پایان حکومت فاسد و ضد مردمی موبوتو به جهان همچنین اعلام کرد که ژئیر از این پس به نام جمهوری دموکراتیک کنکو شناخته خواهد شد و وی تا برگزاری انتخابات در این کشور پست ریاست جمهوری را عهده دار خواهد بود. اربقای جنوبی نخستین کشور جهان بود که جمهوری دموکراتیک کنکو را به رسمیت شناخت.

بزرگداشت روز جهانی کارگر

زحمتکشان و نیروهای سیاسی طرفدار سوسیالیسم و صلح و ترقی اجتماعی در کشورهای پنج قاره جهان در مراسم متنوعی اول ماه، روز همبستگی بین المللی طبقه کارگر را جشن گرفتند. اگر در کشورهای دیکتاتور زده نظیر میهن ما، مراسم واقعی بزرگداشت روز جهانی کارگر در مجالس خصوصی و در خفا برگزار شد، در کشورهای دیگر این مراسم با راهپیمایی ها و تظاهرات توده ای با شعارهای رزمی و همبستگی همراه بود. «نامه مردم» گزارش های متعددی از برگزاری این مراسم دریافت کرده است که در ادامه مهم ترین آنان جهت اطلاع خوانندگان منعکس می شود.

روسیه

بر اساس برآورد سازمان دهندگان گردهمایی به مناسبت اول ماه مه در واسیلیوسکی اسلوب در نزدیکی میدان سرخ بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر در این مراسم که تحت رهبری حزب کمونیست فدراسیون روسیه برگزار شد، شرکت کردند. گنادی زیوگائف رهبر حزب کمونیست فدراسیون روسیه، میخائیل لاشکین رهبر حزب دهقانی روسیه، آناتولی لوکیانف عضو هیات رهبری حزب کمونیست فدراسیون و صدر فراکسیون قدرت خلقی (نارودولاستیه) در صفوف پیشین تظاهرات بودند که از میدان اوکتیا برسکایا به واسیلیوسکی اسلوب راهپیمایی کرد. شرکت کنندگان در این تظاهرات که شامل نمایندگان جنبش زحمتکشان روسیه، جنبش زحمتکشان مسکو و اتحادیه دانشمندان طرفدار سوسیالیسم بودند پرچم های سرخ رنگ و پلاکاردهای با شعارهای «تمامی قدرت در دست سوراها» و «تلویزیون سراسری برای روسیه» و غیره حمل می کردند. رهبری گردهمایی در واسیلیوسکی اسلوب به عهده نمایندگان کمیته شهری حزب کمونیست بود. الکساندر کووایوف، دبیر اول کمیته شهری حزب کمونیست در مسکو خطاب به گردهمایی گفت که امسال اول ماه مه «معنای اصیل و قدیمی خود مبنی بر همبستگی طبقه کارگر را کسب می کند». او اظهار داشت: «ما دیگر قول ها و مواعید دولت را باور نمی کنیم و نیاز به صدقه نداریم». و خواستار تشدید فشار به مقامات دولتی برای عوض کردن سیاست اقتصادی شد. کووایوف اضافه کرد که شعار «کارگران

جهان متحد شوید» مادامی که «اوضاع کشور عوض نشده، منسوخ نخواهد شد». ویکتور انپیلوف، رهبر جنبش روسیه زحمتکش در سخنان خود خطاب به شرکت کنندگان در گردهمایی خواستار شد که مردم زحمتکش به مصاف دولت برخیزند. گنادی زیوگائف، رهبر حزب کمونیست فدراسیون روسیه در سخنان خود در گردهمایی، مقامات دولت را شدیداً مورد انتقاد قرار داد. او متذکر شد که اپوزیسیون با روش خود مبنی بر کوشش بر حل مشکلات عاجل مبتلا به جامعه به مقابله با سیاست اتخاذ شده از سوی دولت خواهد پرداخت. زیوگائف متعهد شد: «همبستگی ما در قالب کمک رسانی به هر کودک، به مادران، به آنها که نیاز دارند، متجلی خواهد شد». رهبر حزب کمونیست علیه توسعه نانودر شرق اروپا سخن گفت و اعتقاد خود را به اینکه این یک «روان پریشی جدید نظامی است که مالیات های جدید و یک گره خفت جدید برای مردم روسیه به دنبال خواهد داشت». در ۹۰۰ شهر دیگر فدراسیون روسیه، قریب ۱/۵ میلیون کمونیست و فعال سندیکیایی به خیابان ها ریختند و اول ماه مه را جشن گرفتند.

اوکراین

در کیف، پایتخت اوکراین بیش از ۱۰ هزار نفر در خیابان های شهر به راهپیمایی پرداخته و در پایان گردهمایی، از دولت خواستند که به پیمان تجاوزگر ناتو نپیوندد. سخنرانان از همه نیروهای میهنی دعوت کردند که متحد شوند و آنجان سیستم اجتماعی را بسازند که بتواند حقوق قانونی کارگران را حفاظت کند.

کوبا

بیش از یک میلیون تن از زحمتکشان کوبا در مراسم اول ماه مه در هاوانا به راهپیمایی پرداختند. این راهپیمایی که در حضور فیدل کاسترو صورت می گرفت از ساعت ۹ صبح از محل ۳۴ مرکز پیشاهنگ ملی آغاز شد و در صفوف اول آن کارگران ساختمانی قرار داشتند. تظاهر کنندگان پلاکاردها و پوسترهایی در محکومیت ایالات متحده و طرح های آن برای تشدید تحریم کوبا از طریق قانون هلمس- برتون حمل می کردند. جشن های اول ماه مه امسال به ارنستو چه گوارا، رهبر چریکی کوبایی- آرژانتینی انقلاب کوبا که در سی سال پیش در جریان مبارزات انقلابی در بولیوی کشته شد، اختصاص داشت. دقایقی قبل از شروع راهپیمایی، دبیر کل سازمان مرکزی کارگران کوبا، پدرو راس، سخنرانی کوتاهی ایراد کرد که طی آن بر عزم کارگران و همه مردم کوبا به دفاع از میهن و سوسیالیسم تاکید کرد.

چین

مراسم جشن اول ماه در سراسر خاک گسترده جمهوری خلق چین توسط مردم زحمتکش برپا گردید. در یکن در مراسم گردهمایی ۱۵۰۰۰۰ تن در میدان تیان آن مین شاهد به اهتزاز در آمدن پرچم چین بودند. پس از آن جشن ها و مراسم توده ای در تمامی طول روز و در پارک های اصلی شهر ادامه داشت. در تیانجین، بزرگ ترین بندر در شمال چین خیابان های اصلی، پارک ها و مراکز تفریحی با گل های رنگارنگ تزیین شده بودند و

نمایشات هنری در کلوب های کارگری و قصرهای فرهنگی برگزار شد. در شانگهای، بزرگ ترین شهر چین و مرکز اقتصادی در شرق کشور، جشن و پایکوبی در همه جا دیده می شد. مراکز کارگری، کلوب ها، سینماها، تئاترها و سایر موسسات با فانوس های کاغذی و نوارهای رنگارنگ تزیین شده بود.

در کوانگ ژو، مرکز ایالت ثروتمند گوانگ دونگ، نماینده اتحادیه های کارگری هنگ کنگ به مردم محلی پیوستند و فعالیت های متعددی را سازمان دادند که موضوع اصلی آن بازگشت هنگ کنگ به سرزمین اصلی چین بود. در پایتخت منطقه مرکزی چین، ۶۰۰ کارگر نمونه اول ماه مه را با ادامه کار خود در ساختمان یک پل جدید بر روی رودخانه یانتسه، جشن گرفتند. در اورومچی، مرکز منطقه خودگردان سین زیان اویغور جشن ها و مراسمی که محتوای اساسی وحدت همه گروه های قومی در کشور بود، با موفقیت انجام گرفت.

چک

علی رغم باران و هوای سرد دهها هزار کمونیست و فعالین کارگری در مراسم اول ماه مه که توسط حزب کمونیست بوهم و مورای و نیز حزب کمونیست اسلواک سازمان داده شده بود، شرکت کردند. در جمهوری چک ده ها هزار نفر در گردهمایی در اقصی نقاط کشور شرکت داشتند. در بزرگ ترین این مراسم که در پراگ در جریان بود در یک گردهمایی و فستیوال در هوای باز ۲۰۷۰۰۰ نفر به سخنرانی رهبر حزب، میراسلاو گرتیچک که در بردارنده حمله ای سخت به دولت ائتلافی راست حاکم بود، گوش فرا دادند. رهبر حزب کمونیست چک در سخنرانی خود جزئیات سیاست هایی که کشور را به یک بحران همه جانبه کشیده شرح داد و وضعیت اقتصادی، خدمات بهداشتی و آموزشی و راه آهن کشور را

ادامه در صفحه ۵

کمک های مالی رسیده

به یاد رفیق شهید کی منش	۱۰۰ مارک
به یاد رفیق ابوتراب باقرزاده	۵۰۰ کرون
مزدک از سوئد به یاد رفیق خسرو روزبه	۲۰۰ کرون
کمک مادر توده ای به حزب	۱۵۰ کرون
کمک به یاد گودرز بیدلی، گوتنبرگ	۲۰۰ کرون
از هلند در راه کنگره	۲۰۰ مارک

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany

2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:506

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

20 May 1997

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴ ۱۶۲۷ -

حساب بانکی ما:

IRAN e. V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک